روایت پدر و مادر شهید محمد مولایی از زندگی پسرشان

شهادت، پر پرواز می‌خواهد

■ سیدمحمد مشکوةالممالک

پرواز تجربه‌ای شیرین است که شهدا می‌دانند و بس! وقتی زندگی شهدا را بخوانی هم حسی نزدیک به سراغت می‌آید، انگار سبک شده‌ای. شاید روحت به پرواز می‌آید. باید گفت و شنید و تکرار کرد قصه مردمان این سرزمین را که مولایشان حسین(ع) و ابوالفضل العباس است. سرزمین ما شاد است به افتخار شهادت و منور است به نور شهداء. هر بار که اسم شهیدی می‌شنوی به او سلام کن، شاید شافی تو در آخرت باشد. شهید محمد مولایی پرچینی، در اولین پرش خود با چتر به افتخار شهادت نائل آمد و به سوی حضرت حق پرواز کرد. او پیش‌تر هم چنین حس سبکی را در حضور رهبر معظم انقلاب تجربه کرده بود، تجربه‌ای شیرین و غیرقابل وصف که برای دوستان و خانواده‌اش گوشه‌هایی از آن را با زبان زمینی بیان کرده بود، آخر حس و حال شهدا قابل درک نیست و هر انسانی قادر نیست معنای مفاهیم را به درستی بیابد. آری حکایت و سخن از زندگی شهیدی است که در مسیر ولایت قدم برداشت و در همین راه به آرزویش رسید، برش‌هایی از سخنان خانواده‌اش را برایتان نقل می‌کنم که مروری است بر زندگی یک بهشتی که راه آسمان را یافت و در این مسیر مصمم بود و مصمم ماند.

شهدا اخلاق ویژه‌ای دارند

عباس علی مولایی پرچینی پدر شهید محمد مولایی پرچینی از فرزند شهید خود می‌گوید: «محمد در تاریخ ۶ مرداد ۸۵ وارد سپاه شد. وقتی رهبر معظم انقلاب به لشکر ۲۷ آمدند و گفتند: «هنوز هم از لشکر ۲۷ بوی شهادت می‌آید» با شهادت محمد، ما این را می‌بینیم و برای ما بسیار دلگرمی است که خداوند او را گلچین کرد. محمد بسیار خوش اخلاق و اهل نماز بود. به ولایت ارادت ویژه داشت و همیشه قدردانی از ولایت را متذکر می‌شد. شغل محمد قبل از وارد شدن به سپاه مکانیکی بود. وقتی هفت - هشت ماه از دوره آموزشی محمد در سپاه گذشت دوستانش می‌گفتند که این آقا محمد بسیار دوست‌داشتنی و جذاب است. محمد بسیار باادب، مردم‌دار، مهربان، با مرام و بااخلاق بود. من نتیجه گرفتم که اگر بخواهم از محمد شهیدم صحبت کنم این را می‌توانم بگویم که همه شهدای ما اخلاق ویژه‌ای داشتند و اصلاً خداوند نام مقدس شهید را به کسی می‌دهد که اعمالش درست باشد. یعنی ویژگی‌هایی که بنده زمان جنگ از شهدا می‌دیدم و با آنها زندگی کردم، کسانی بودند که نصف شب بلند می‌شدند ظرف و ظروف را می‌شستند، لباس‌های بچه‌ها و پوتین‌های آنها را می‌شستند و واکس می‌زدند. محمد ما هم چنین خصلتی داشت و من خودم رغبت نمی‌کردم کفشم را جابه‌جا کنم اما او همیشه کفش‌های من را جفت می‌کرد. محمد در کودکی همیشه کمک حال من بود.»

پیش‌بینی شهادت

محمد خصلت‌هایی مشابه شهدای دفاع مقدس داشت. چون من آن شهدا را از نزدیک دیده بودم و با آنها سرو کار داشتم. دو ماه بود که می‌دانست می‌خواهد شهید شود. در راهرو می‌رفت و می‌آمد و شوخی شوخی می‌گفت: آقا من می‌خواهم بروم چتربازی، ۵۰ نفر هستیم و من می‌دانم که چتر هیچ‌کدام از ما باز نمی‌شود، من می‌گفتم تو از کجا می‌دانی؟ می‌گفت می‌دانم دیگر، سه الی چهار روز از این موضوع گذشت. بعد از چند روز دیگر آمد و گفت: من شهید شدم گردن شما. گفتم برای چه شهید شوی؟ با خنده می‌گفت و من می‌گفتم برو بابا. اینقدر گفته بود که من توجیه شده بودم.

او در پادگان از همه نیروها سرتر بود. محمد در تیپ آل محمد(ص) بود و در بحران و فتنه مثل شیر، نامردان را درو می‌کرد و فراری می‌داد. آقای حسن‌زاده در تشییع جنازه محمد گفت: «محمد را خدا انتخاب کرد برای شهادت» و گفت که «از ۵۰ چترباز که رفتند فقط یک نفر وصیت‌نامه داشت و آن هم محمد بود.»

ماجرا از آنجا آغاز شد که وقتی رفت دوره آموزش چتربازی را گذراند، هنگام پرش باید عقب می‌رفتند و می‌پریدند تا پاهایشان با ضربات هنگام ورود آشنا شود. یک بار بعد از اینکه سه متر پرید، پایش ماند زیر بدنش و ربات‌های پایش پاره شدند. پای محمد را باید عمل می‌کردند و او بسیار ناراحت بود. در بیمارستان پایش را باندپیچی کردند. دکتر برایش نامه زد که ۵۰درصد مشکلی ندارد ولی باید عمل شود. نامه را برد پایگاه آنقدر با مربی صحبت کرد تا راضی شد. فرمانده پایگاه محمد می‌گفت: محمد مثل شهدای زمان جنگ بود. ویژگی‌هایی که همه شهدا داشتند محمد هم داشت. محمد هم عشق به ولایت داشت. اگر کسی عشق به ولایت نداشته باشد به مقام شهادت نمی‌رسد. اگر کسی می‌خواهد به مقام شهادت برسد باید اعتقاد به ولایت داشته باشد.

خاطره دیدار با آقا

یک بار بعد از اینکه به دیدار رهبری رفته بود، می‌گفت «به آقا که نگاه کردم در ذهنم امام حسین، انبیا و اولیای خدا تداعی شد. بعد دیدم چه حال معنوی خوبی دارم و دیدم از سر و صورت آقا نور زیبایی به من منعکس شد و بسیار دلربا بود و اثر خوبی روی من گذاشت.» محمد تعریف می‌کرد که در یک جلسه‌ای دیگر که رفته بود بیت و آقا در حال سخنرانی بودند، چه حال خوبی پیدا کرده بود؛ «انگار از زمین جدا شده بودم.» این اتفاقاتی بود که برای محمد در بیت رهبری افتاده بود. من هم خوشحال می‌شدم و بارها به محمد گفته بودم که در زمان جنگ هم این‌گونه بود؛ کسی که می‌خواست شهید شود خدا به او الهام می‌کرد که می‌خواهی بیایی پیش من. محمد هم مثل شهدای جنگ بود.

نماز شب و عروسی

یک روز محمد با مادرش رفتند عید دیدنی و شب به خانه یکی از اقوام در زنجان رفتند و خوابیدند. دختر صاحبخانه بلند می‌شود و نماز شب می‌خواند و محمد صبح به مادرش می‌گوید این خانم که بود که نماز شب خواند؟ مادرش می‌گوید دختر صاحبخانه. خلاصه محمد آنجا علاقمند شد و گفت حتما همین دختر را می‌خواهم. ما به خواستگاری رفتیم. پدر دختر به ما گفت: من از شما راضی هستم چه کسی بهتر از شما. موقعیت پسر شما عالی است اما دختر من ۱۴ سالش است و پسر شما ۲۴ سالش بگذارید یک یا دو سال دیگر نامزد بمانند. به محمد گفتم محمد ناراحت شد. گفت: بگذارید خودش نظر دهد. از عروس هم پرسیدم دیدم سکوت کرد، گفتم خوب سکوت علامت رضاست. به پدر دختر گفتم راضی باش و بعد از سه ماه رضایت دادند و مراسم عقدش را در ابهر زنجان گرفتیم. عروس را که به خانه آوردیم دم در خانه سه تا چهار مرتبه گفت صلوات بفرستید کسی آهنگ نگذارد. همه از عروس آوردن ما تعجب کرده بودند که نه دایره‌ای نه هیچی فقط صلوات فرستادیم.

محمد با ۸۰۰ هزار تومان عروسی گرفت. فقط فرش، تلویزیون و کمد داشت. منزلش همین جا کنار ما بود، شهید هم که شد عروسم هیچ کدام را نبرد و گفت وسایل شهید باید برای پدر و مادرش یادگاری بماند. یازده ماه از ازدواج محمد گذشته بود که شهید شد. بعد از این مدت نیز خمس مالش را حساب کرده و پرداخته بود.

شب شهادت

نزدیک شهادتش خیلی به نماز جماعت و سخنرانی‌ها عطش بیشتری نشان می‌داد. شب شهادتش، محمد لباس‌هایش را شست حتی ظرف‌هایشان را هم شست، من بلند شدم متوجه نشدم که محمد دارد ظرف می‌شوید. گفتم خانم چه خبر است؟ چرا ظرف‌ها را این موقع می‌شوری؟ همسرم آرام به من گفت ساکت باش محمد است، دارد ظرف می‌شوید. من ناراحت شدم گفتم الان عروسم می‌شنود ناراحت می‌شود. غسل شهادت و همه کارها را انجام داد و شنبه صبح پرواز کرد.

گل به جای لباس مشکی

یک روز به من گفت: آقا من می‌روم شهید می‌شوم‌ها. من گفتم برو بابا بادمجان بم آفت ندارد. اگر می‌دانستم که شهید می‌شود یا به دلم می‌افتاد، دست به دامنش می‌شدم؛ اما خدا می‌خواهد که مانع رفتنش نباشیم و خدا این صبر را به ما داد و وقتی هم که خبر شهادتش را شنیدیم؛ یک گل به سینه ام زدم و سیاه نپوشیدم. گفتم خدا به من یک توجه ویژه و یک لطف ویژه کرد، اگر لیاقت نداشتم که خودم شهید شوم، خدا از من یک شهید را قبول کرد.

حضرت ابوالفضل مرا زمین گذاشت

یکی از سیدها به نام آقای سیداحمد حسینی که امام جماعت نظرآباد است خوابی دیده بود. ۱۰ یا ۱۵ روز پس از شهادت محمد به من زنگ زد گفت: در عالم خواب یک محیطی مثل شمال که درخت‌های زیادی آنجا بود یکی از این درخت‌ها رنگ و بوی بهشتی داشت، نگاه می‌کردم همه چیز یک زیبایی خوبی داشت، یک دفعه جوان‌هایی خوش‌سیما و خوش‌چهره آمدند پیش من و لباس‌های تن‌شان اصلاً دنیایی نبود و موهایشان را روغن مالیده بودند.

نگاه کردم دیدم همه آشنا هستند و احساس کردم که به من الهام می‌شود که اینها شهدا هستند و همینطور که نگاه می‌کردم دیدم کسی من را صدا کرد و گفت آقا سید احمد سلام. توجه کردم دیدم محمد است و عین همین شهدا و گفت: آقا سید اینجا چه می‌کنی؟ گفتم: محمد به من گفته‌اند تو مرده‌ای تو که زنده‌ای. گفت: نه آقا. آن لحظه‌ای که از هلیکوپتر افتادم. خود حضرت ابوالفضل مرا با دو دست آرام گرفت و زمین گذاشت. چون در فیلمبرداری لحظه پرش محمد هست که می‌گوید یا ابالفضل! یکی از بچه‌های رزمنده که مداح تیپ بود می‌گفت: وقتی که این اتفاق افتاد من با آمبولانس رسیدم کنار محمد بوی عطر و مشک آمد، عطر را می‌دانم اما مشک برای امامزاده‌هاست. می‌گفت از این شهید بوی عطر می‌آمد.»

نماز قبل از پریدن

مادر شهید مولایی می‌گوید: «محمد خیلی با خدا و مهربان بود و دل صاف داشت. راضی نبود کسی او را ناراحت ببیند. مادر خانمش سید بود و به خانمش می‌گفت: به خاطر خانم فاطمه زهرا(س) من هیچ وقت تو را ناراحت نمی‌کنم. در خانه کمک می‌کرد. بعضی مواقع لباس‌ها را می‌شست؛ بعضی مواقع که اینقدر خوب بود با خودم می‌گفتم: این چرا اینقدر خوب است؟ وقتی رفت غم دنیا در دل من ریخته شده بود. خانمش هم نگران شده بود زنگ می‌زد ولی تلفنش در دسترس نبود. به خانمش گفتم زنگ بزن به دوستش. دوستش گفت: محمد از چتر افتاده پایش شکسته. من گفتم: آدم از آن بالا بیفتد که فقط پایش نمی‌شکند. گفت: نه برده‌اند بیمارستان. ما به بیمارستان زنگ زدیم گفتند: اصلاً همچین مریضی ما نداریم. دوباره زنگ زدیم گفتیم: هر چه شده به ما بگو. گفت: مبارک است. شهادتش مبارک است.»

برادر شهید هم می‌گوید: «محمد را خدا دعوت کرده بود و او لبیک گفت. شب قبل از شهادتش خیلی نماز می‌خواند، نماز شب می‌خواند حتی خانمش می‌گوید: وقتی قنوت می‌گرفت خیلی رکوع و سجودش طولانی می‌شد. محمد روزی که می‌خواست برود وصیتش را نوشته بود.»

یک شهید، یک خاطره

مریم عرفانیان

چنداستخوان و یک پلاک...

بچه‌های همسایه یتیم شده بودند؛ محمود آنها را به خانه می‌آورد و نوازش می‌کرد، حتی گاهی سر بر شانه‌شان می‌گذاشت و همراهشان می‌گریست. می‌گفت:

-«اگه بچه‌های من هم یتیم بشند، چه کسی دست نوازش بر سر اونا می‌کشه؟»

با ناراحتی می‌گفتم: «چه حرفی می‌زنی آقا محمود!»

او ادامه می‌داد:

-« دوست دارم بی‌نام و نشون باشم، می‌دونم وقتی که برگردم پسرم بزرگ شده و خودش پای تابوتم رو می‌گیره.»

***

پسرم دیگر بزرگ شده بود که او بازگشت. تنها نشانش هم همین بود، چند استخوان و یک پلاک...

***خاطره‌ای از شهید محمود صالحی**

***راوی: طیبه صالحی، همسر شهید**

مقاومت در فضای مجازی

فرزند عرشی، مادر آسمانی

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در صفحه شخصی خود نوشت: مادران و پدران شهدای ما، آموزگاران ایمان، صبر، شجاعت و فداکاری‌اند. مادر شهید «حسن جنگجو» از نمونه‌های درخشان مادران ایثارگر سرزمین ما بود که ۳۷ سال پیش، جگرگوشه ۱۳ساله‌اش را تا مسجد همراهی کرد، او را به جبهه‌های نبرد علیه متجاوزان بعثی فرستاد و ۳۴سال برای بازگشت پیکر پاک شهیدش انتظار کشید.

عروج آسمانی این مادر بزرگوار را که با تشییع باشکوه شهید عزیزمان همزمان بود، به مردم ولایتمدار آذربایجان، ملت شریف ایران و خانواده ارجمند جنگجو تسلیت عرض کرده، از خداوند متعال، علو درجات ایشان را خواستارم. امید است راه و رسم عاشقی و ایثار در راه حق، با تأسی از این مادر اسوه و فرزند پاکبازش تا همیشه تاریخ پر رهرو بماند.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای سیدغلامرضا حسینی فرزند سید قوام

خواهان آقای مهدی ایتائلو یغمورلو فرزند قاسم دادخواستی به طرفیت خوانده آقای سیدغلامرضا حسینی فرزند سیدقوام به خواسته الزام به تنظیم سند خط تلفن مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۹۰۰۰۰۲۱۲ شعبه اول شورای حل اختلاف شهری بوئین‌زهرا استان قزوین ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۸/۶ ساعت ۹ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

متصدی امور دفتری دادگاه شعبه اول شورای حل اختلاف شهری بوئین‌زهرا
زهرا چلمبری

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای وحید جعفری و خانم ام‌لیلا احمدی

خواهان آقای سعید افشاری دادخواستی به طرفیت خوانده آقای وحید جعفری و خانم ام‌لیلا احمدی به خواسته مطالبه وجه چک مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۹۸۲۶۰۱۹۰۰۱۷۹ حوزه شماره ۱۰ شورای حل اختلاف شهرستان زنجان ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۹ ساعت ۱۶:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خواندگان ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

حوزه شماره ۱۰ شورای حل اختلاف شهرستان زنجان
زنجان - بزرگراه ۲۲ بهمن - مجتمع ادارات - ساختمان شماره ۱
دادگستری کل استان زنجان

آگهی مزایده اموال توقیفی

نظر به اینکه به موجب پرونده کلاسه ۹۵۰۶۲۷ اجرایی در خصوص محکوم علیه شرکت ثمین انرژی محکوم به پرداخت مبلغ ۱۵۰/۴۴۰/۰۰۰ ریال بابت محکوم به در حق محکوم له فرهاد محمدیان محمد فرزند موسی و نیز پرداخت مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه اجرا در حق دولت لذا حسب درخواست محکوم له اموال محکوم علیه شامل:

۱- یک عدد کانکس ۳×۱۲ متری به ارزش ۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- یک عدد کانکس ۳×۶ متری به ارزش ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال

که کلا و جمعا بمبلغ ۱۴۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط کارشناس رسمی خبره محلی و مقرر گردید که از طریق مزایده در مورخ ۹۶/۷/۱۸ از ساعت ۱۲ الی یک بعدازظهر در محل اجرای احکام دادگاه بندر امام(ره) به اجرا گذاشته خواهد شد و مزایده از قیمت کارشناسی تعیین شده شروع و مال متعلق به کسی خواهد شد که بیشترین قیمت پیشنهادی را ارائه نماید و خریداران می‌توانند ظرف پنج روز قبل از موعد جهت کسب اطلاع بیشتر و ملاحظه اموال به این اجرا مراجعه نمایند.

مدیر شعبه یک اجرای احکام مدنی
دادگستری بندر امام خمینی(ره)- سید هاشم محمدی

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۵۵۰۱۶۰۰۰۶۹ شورای حل اختلاف شماره ۱۶ مجتمع مرکزی شورای حل اختلاف شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۵۵۰۱۶۰۰۳۰۵
خواهان: آقای عبدالعزیز درخواه شه‌بخش فرزند فیض محمد به نشانی سیستان و بلوچستان- زاهدان- آزادگان ۱۰ میلان ۳ داخل کوچه سمت چپ درب۲
خوانده: آقای عبدالقادر صحراگرد فرزند عبدالرحمن به نشانی- مجهول‌المکان
خواسته: الزام به تنظیم سند خودرو بشماره انتظامی ۶۹۵ س۲۶ ایران ۸۵ به انضمام هزینه دادرسی و خسارات قانونی مقوم به ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان

رأی شورا

درخصوص دعوی آقای عبدالعزیز درخواه شه‌بخش فرزند فیض‌محمد به طرفیت آقای عبدالقادر صحراگرد فرزند عبدالرحمن بخواسته الزام به تنظیم سند خودرو وانت تویوتا هایلوکس ۲۰۰۰ مدل ۱۹۹۱ به شماره انتظامی ۶۹۵ س ۲۶ ایران ۸۵ به انضمام کلیه خسارات قانونی و هزینه دادرسی با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی از ناحیه خواهان و محتویات پرونده و اینکه خواهان به موجب وکالت‌نامه شماره ۶۸۸ مورخ ۹۱/۴/۲۴ در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۴ بندر کنگ از حوزه ثبتی بندر لنگه نسبت به تعویض پلاک به نام خودش اقدام نموده و کل ثمن معامله را نیز پرداخت کرده و راهنمائی و رانندگی طی نامه شماره ۵/۵۶=۲۴۱۳/۵/۵۰۸/۱۰ مورخ ۹۶/۵/۴ آخرین مالک را شخص خواهان اعلام نموده و نظر به اینکه خوانده جهت رسیدگی از طریق نشر آگهی دعوت شده ولی در شورا حاضر نشده و هیچ‌گونه ایراد و دفاعی به عمل نیاورده و از طرفی سند قطعی منقول اتومبیل به موجب شماره ۸۵۸۱۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳ حوزه ثبتی شهرستان میناب مورخ ۸۶/۱۲/۵ بنام خوانده منتقل گردیده بنابراین دعوی مطروحه از ناحیه خواهان ثابت و موجه تشخیص علیهذا به استناد مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی و ماده ۱۰ قانون مدنی حکم بر محکومیت خوانده به حضور در دفترخانه اسناد رسمی و الزام به تنظیم و انتقال سند رسمی اتومبیل وانت تویوتای هایلوکس ۲۰۰۰ مدل ۱۹۹۱ قرمز رنگ به شماره انتظامی ۶۹۵ س۲۶ ایران۸۵ را در حق خواهان را صادرو اعلام می‌نماید رأی صادره غیابی و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شورا و ظرف مدت بیست روز پس از آن قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی شهرستان زاهدان می‌باشد.

مجید خسروی- قاضی شورای حل اختلاف شماره۱۶ زاهدان
نشانی: زاهدان- خیابان مصطفی خمینی- جنب سازمان تعزیرات حکومتی- مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان‌وبلوچستان
م‌الف۲۰۹۲

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و کارت مشخصات خودرو سواری بنز تیپ ۲۸۰ مدل ۱۹۷۸ رنگ نقره‌ای متالیک بشماره انتظامی ۵۲۳ ق ۶۹-ایران ۱۹، شماره موتور ۱۰۰۰۸۹۱۷ و شماره شاسی ۱۰۱۱۸۴۲۰ بنام آقای شاهین کاظمی‌نیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

«مفقودی»
(نوبت سوم)

مدرک دانشنامه دکترای حرفه‌ای علوم آزمایشگاهی اینجانب مصطفی لطفی فرزند محمد به شماره ملی ۴۵۷۹۷۹۶۳۳۰ صادره از دانشگاه علوم پزشکی مشهد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو کامیونت ایسوز NKR۵۵ به شماره پلاک ۲۱۵ ع ۶۷ - ایران ۱۴ به رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۷۶۳۶۱۶ و شماره شاسی NAGNKR۵۵E۰۸۸۱۱۲۲۹ بنام جاسب‌نواصری فرزند رحیم مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مشخصات محکوم له: میثم شهریور نام پدر: علی شغل: آزاد نشانی محل اقامت: عسلویه فاز ۴ و ۵ شرکت سنا اندیشه
مشخصات محکوم علیه: صادق مرادی نام پدر: - شغل: آزاد نشانی محل اقامت: مجهول‌المکان
محکوم به: بموجب دادنامه شماره ۹۴/۴۷۶ مورخ ۹۶/۴/۳۱ شورای حل اختلاف عسلویه که به موجب دادنامه شماره - مورخ- به تایید مرجع تجدیدنظر شعبه- دادگاه عمومی- رسیده است محکوم علیه مکلف به پرداخت مبلغ ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت یک فقره سفته و مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست(۹۶/۲/۶) تا زمان اجرای حکم و کلیه خسارات دادرسی در وجه محکوم له بپردازد. محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه ظرف ده روز مفاد رای اجرا نماید.

شورای حل اختلاف- شعبه ۱ حوزه قضایی عسلویه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۷۰۰۷۰۰۲۹۴۱ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان بهبهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی: آقای حسین دهداری‌نژاد فرزند عبدالرضا بشناسنامه شماره ۶۸۸ صادره از بهبهان بشماره ملی ۱۸۶۰۸۹۰۵۷۱ نسبت به پنج دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷/۰۶ مترمربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۷۸۶ اصلی واقع در بخش یک بهبهان خریداری از مالک رسمی به موجب سند رسمی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۶/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۶/۶/۲۶
م‌الف ۸/۳۴۵ **کاظمی- رئیس ثبت بهبهان**

شماره ابلاغنامه: ۹۶۱۰۱۰۶۱۶۱۳۰۲۷۹۰
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۶۱۳۰۰۴۹۸
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۵۱۱

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای محمد برنجی‌زاده فرزند محمدحسین

خواهان آقای سامان آکسته دادخواستی به طرفیت خوانده آقای محمد برنجی‌زاده به خواسته الزام به انتقال سند و تعویض پلاک مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۱۶۱۳۰۰۴۹۸ شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شوش ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۸/۱ ساعت ۹:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شوش- افسانه صیدالی
استان خوزستان- شهرستان شوش- شهرک دانیال(ع)- انتهای بلوار اصلی دادگستری شهرستان شوش

آگهی مزایده فروش مال منقول

نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۹۵/۲۵۵۳ اجرای احکام حقوقی شورای حل اختلاف بوشهر وردهپور خلیلاوی به طرفیت ناصر ناصری مبنی بر مطالبه وجه به جهت درخواست محکوم‌له و به استناد مواد ۱۳ الی ۱۳۶ قانون اجرای احکام آقای ناصر ناصری محکوم به پرداخت مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل خواسته و غیره، ملک ثبتی به شماره ۳۸ فرعی از ۷۱۷ اصلی به آدرس: بوشهر کوی نیدی - خ فرودگاه جنب آموزشگاه فنی سماء به مساحت ۷۵ مترمربع مغازه دوطبقه با مصالح بنائی و دیوار باربر در حق با نمای خارجی کامپوزیت و نمای داخلی سرامیک و ۶۰۰ مترمربع زمین مربوطه به ۲۰۰ مترمربع یک باب منزل ویلائی مربوطه به ارزش ۴۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جهت مزایده و فروش در روز دوشنبه ۹۶/۸/۱۰ گذاشته می‌شود مزایده از قیمت پایه و مبلغ کارشناسی شده شروع و کسی که بالاترین قیمت مزایده را پیشنهاد نماید به عنوان برنده مزایده شناخته خواهد شد. برنده مزایده بایستی ده درصد کل مبلغ مزایده را به حساب سپرده دادگستری به شماره ۲۱۷۱۲۹۱۰۵۲۰۰۶ تودیع نماید و نسبت به مابقی آن حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ مزایده اقدام نماید و الا وجه تودیعی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد. علاقمندان می‌توانند در موعد مقرر در محل اجرای احکام شورای حل اختلاف بوشهر حضور یابند.

قاضی اجرای احکام شورای حل اختلاف بوشهر

آگهی ابلاغ اجرائیه

بدینوسیله به آقای علیرضا بهمئی نژادیان به شناسنامه شماره ۴۲۱ بهبهان فرزند علی‌داد به آدرس بهبهان زیدون کمیته امداد امام خمینی ابلاغ می‌گردد که موسسه قرض‌الحسنه مهر بسیجیان شعبه بهبهان به موجب یک فقره چک شماره ۷۷۷۴۰۲ عهده بانک کشاورزی شعبه میدان تره‌بار بهبهان به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال علیه شما اقدام به صدور اجرائیه نموده و چون آدرس متن سند موافق با واقع نبوده و موسسه بستانکار درخواست ابلاغ اجرائیه ازطریق روزنامه را نموده لذا برابر ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء به شما ابلاغ و تاریخ انتشار این آگهی در روزنامه تاریخ ابلاغ محسوب می‌شود. چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید برابر مقررات عملیات اجرائی علیه شما ادامه خواهد یافت.

کاظمی - رئیس ثبت بهبهان

دادنامه

شماره کلاسه پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۹۴۴۴۰۰۰۱۸
شماره احکام: ۹۶۰۹۹۷۶۹۴۴۴۰۰۵۳۰

مرجع رسیدگی: قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز
قاضی شورا با بررسی اوراق و محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت به خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید.
خواهان: علی نیسی آدرس: اهواز شیخ‌بها خ دادبه پلاک ۴۱
خوانده: محمد سجیراتی آدرس: مجهول‌المکان
خواسته: انتقال سند خودرو

رأی قاضی شورا

درخصوص دعوی آقای علی نیسی فرزند عبدالامیر به طرفیت محمد سجیراتی فرزند عامر به خواسته انتقال سند اتومبیل به شماره ۱۴-۴۹۵-۱۵د مقوم به مبلغ ۳/۱۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه دادرسی خواهان بموجب دادخواست تقدیمی و اوراق و محتویات پرونده خواهان مدعی گردیده که اتومبیلی را از خوانده ابتیاع نموده مشارالیه از ایفای مفاد عقد در باب انتقال سند اقدامی به عمل نیاورده و به قرارداد منعقده بین طرفین استناد نموده که مبین رابطه معاملی و تعهد بایع به لوازم عرفی عقد از جمله انتقال سند می‌باشد بعلاوه متعهد دلیلی که اثبات نماید به تعهد خود عمل نموده ارائه نداده و حسب استعلام ثبتی به عمل آمده به تاریخ ۹۶/۴/۱۱ سند اتومبیل مورد دعوی به نام خوانده می‌باشد با عنایت به دادخواست تقدیمی اظهارات و اسناد استنادی خواهان و اینکه خوانده به جلسه مورخ ۹۶/۲/۲۴ دعوت با وصف ابلاغ قانونی حاضر نشده و دفاع موثری به عمل نیاورده و لایحه‌ای ارسال ننموده و در نتیجه ادعای خواهان مصون از خدشه و ایراد باقی مانده علی‌هذا دعوی مطروحه را محمول بر صحت تشخیص و مستنداً به ماده ۲۲۰ از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ و اصلاحات بعدی آن و ۵۱۵ و ۵۱۹ از قانون آیین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به انتقال سند موصوف به شرح ستون خواسته و پرداخت مبلغ ۱۱۸۷۵۰ ریال بابت هزینه دادرسی و هزینه نشر در آگهی در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره غیابی ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شورا و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم محترم عمومی حقوقی اهواز می‌باشد.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره دو اهواز
سیدعزیزاله میرمحمدی

اجرائیه

مشخصات محکوم له / محکوم لهم: علی گلینی نام پدر: عزت‌الله نشانی: سمنان - گرمسار خ خوابگاه کوثر خ دماوند آخرین منزل دست راست
مشخصات محکوم‌علیه / محکوم‌علیهم: سیامک غفاری‌پور نام پدر: محمدحسین نشانی: مجهول‌المکان
محکوم به:
به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره و شماره دادنامه مربوطه ۹۶۰۹۹۷۲۲۵۶۰۰۰۰۶۶ محکوم‌علیه محکوم است به حکم به محکومیت خوانده ردیف دوم به حضور در دفترخانه و انتقال رسمی سند خودرو مال‌الذکر طبق مقررات دفترخانه مستندا به ماده ۲۲۰ و ۱۲۵۷ و ۱۲۵۸ قانون مدنی و ۱۹۸ ق.آ.د.م به نام خواهان و مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی و مبلغ ۲۰۰۰۰